

تأثیر حقوق زنان در سیاست خارجی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران

الهام ستاری^۱ غلامحسین بلندیان^۲

تاریخ دریافت: ۹۴/۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۸

چکیده

زنان نیز مانند مردان از حقوق اساسی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی برخوردارند؛ ولی این مسأله که این مبانی، در اسلام و غرب چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند، درخور تأمل و بررسی است. سؤال اصلی این پژوهش، این است که حقوق زنان چه تاثیری بر سیاست خارجی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران دارد؟ فرضیه ما بر این است که حقوق زنان بر سیاست خارجی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران تاثیرگذار بوده است و یکی از عوامل تداوم دشمنی و اعمال فشار آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. در نتیجه، با وجود کنوانسیون و قوانین متعدد در نظام غرب و با شعار برابری و نیز منشور حقوق و مسؤولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران بر پایه عدالت جنسیتی، سهم زنان در حوزه سیاست و تصمیم‌گیری کشورها با توجه به توانایی آنان همچنان پایین است که می‌تواند بهانه ای برای ایالات متحده جهت اعمال فشار بر علیه جمهوری اسلامی ایران گردد. روش پژوهش در این مقاله توصیفی تحلیلی و تاریخی است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی آمریکا، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فمینیسم، حقوق بشر، حقوق زنان.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای گرایش آمریکا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

mashregh.institute@yahoo.com

۲. استادیار مطالعات امنیت ملی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز gbolandian@gmail.com

مقدمه

حقوق انسانی همواره مورد مطالعه و توجه اندیشمندان بوده‌است؛ چنانکه مقوله حقوق، منشاء خیزش حرکت‌های حق‌طلبانه بوده و یا در نقطه مقابل، تحریف شده‌است. انتظارات دولت از شهروندان و نیز انتظارات شهروندان از دولت؛ بویژه تا آنجا که به زنان مربوط است، در اشکال مختلف بستری از پیامدهای فردی و اجتماعی برای زنان در سه محور " فرهنگ، سیاست و اقتصاد" خود را نشان داده است. نگاه دولت‌ها و دولتمردان که بعضاً نشأت گرفته از آثار اندیشمندان هر عصری بوده و چگونگی رفتار با زنان در عرصه‌های عمومی و خصوصی، فراز و نشیب بسیار زیادی داشته است. از افلاطون و ارسطو در عمق تاریخ گرفته تا قرون وسطی و مفاهیم جدید عصر روشنگری در حوزه فلسفه و علوم اجتماعی، مانند: اومانیزم، سکولاریسم، تساوی، حقوق بشر، آزادی‌های اجتماعی و نیز پیروزی انقلاب فرانسه و تدوین قانون حقوق بشر در این کشور، همراه با تحولات اجتماعی، سیاسی، حقوق محوری و فضای باز پس از انقلاب فرانسه و بالاخره موج صنعتی شدن غرب و شکل‌گیری طبقه‌ای به نام سرمایه‌داران و کارفرمایان، همه و همه بر شکل‌گیری یکی دیگر از جنبش‌های اجتماعی و آزادی‌خواهی با عنوان "فمینیسم" که خواهان احقاق و احیای حقوق زنان بودند، تأثیر گذاشت؛ حرکت‌هایی که ادعا می‌کرد ساختارهای اجتماعی و سیاسی در اجتماع، نسبت به زنان تبعیض‌رومی دارد و نیز راه‌هایی که برای رفع آن بی‌عدالتی‌ها پیشنهاد کردند، در مسیر خواسته‌های آنان جاری می‌شد. اعتقاد به اینکه زنان در طول تاریخ بشر در اشکال مختلف از سوی "مردان" و یا "دولت" تحت ظلم و تبعیض قرار گرفته‌اند، کانون اصلی انتقادات فمینیست‌ها را تشکیل داد.

یکی از مهم‌ترین حربه‌های فمینیسم، تحقیر نقش و موقعیت زنان خانه‌دار بود. از

زمانی که "بتی فریدان"^۱ و "گلوریا استینم"^۲ و "جسی برنارد"^۳ در رسانه‌ها و مطبوعات به نقش خانه‌داری ناخشنود، تقریباً تمامی شاخه‌های فمینیسم تاکنون در این مقوله که زنان فقط در جایگاه شغلی خود هویت خواهند داشت، با یکدیگر وحدت آراء دارند. بر اساس اندیشه‌های فمینیستی "بتی فریدان" و "سیمون دوبوار"^۴ و بنابر اعتقادات آنان، زن خانه‌دار موجودی "طفیلی"^۵ است که شأنش کمتر از انسان بوده، زندگی‌اش ظرفیت و قابلیت انسانی بالغ و باهوش را ندارد و بدون هدف واقعی، خود را صرف شوهر، فرزندان و خانه‌اش می‌کند (فرهمند، ۱۳۱۵: ۱۴۹). فمینیست‌ها در این باره حتی روی مناسبات و مفاهیمی حساسیت نشان دادند که کاملاً سیاسی و حتی امنیتی بود. روی سخن آن‌ها با دولت هم بود که با سلطه مردانه‌اش در تصمیمات راهبردی خشونت و تبعیض جنسیتی را به وجود آورده است. از این رو، آنان معتقد بودند که حضور زنان به اتاق‌های فکر و تصمیم می‌تواند معادلات استراتژیک را با توجه به خشونت‌آمیز بودن گفتمان مردان تغییر دهد.

شکل‌گیری زن‌گرایی یا فمینیسم برای رسیدن به استقلال مطلق در برابر مردان به حقوقی مشابه و برابر با حقوق مردان شد. حرکتی که براساس مبانی برخاسته از رنسانس در دفاع از حقوق زنان آغاز شد، به مدد اقتدار سیاسی و اقتصادی غرب، رفته رفته راه خود را در بسیاری از کشورهای شرقی نیز گشود و حرکت‌های اصیل زنان در این کشورها را تحت تأثیر خود قرار داد؛ تا آنجا که به تدریج این گمان را در اذهان بسیاری از زنان شرقی به وجود آورد که آن‌ها برای رسیدن به حقوق خود راهی جز تن دادن به الگوی غربی روابط زن و مرد ندارند. غربیان به مدد فن‌آوری برتر و قدرت اقتصادی بی‌رقیب خود سال‌ها در پی گسترش فرهنگ خود در سراسر جهان و همسان‌سازی فرهنگ جهانی بوده و

1. Betty Friedon

2. Gloria Steinem

3. Jessie Bernard

4. Simone de Beauvoir

5. Prarasite

هستند و تلاش بسیار دارند که به هر صورت ممکن، الگوها و هنجارهای خود را بر ملل مشرق زمین تحمیل کنند؛ به طوری که ساموئل هانتینگتون نظریه‌پرداز آمریکایی و طراح نظریه برخورد تمدن‌ها، در مورد استراتژی غرب برای همسان‌سازی فرهنگ جهانی و تحمیل ارزش‌های خود بر سایر ملل می‌گوید: غرب و بویژه ایالات متحده که همیشه ملتی مبلغ بوده، بر این باور است که مردم غیرغربی باید خود را تسلیم ارزش‌های غربی، دموکراسی، بازار آزاد، حکومت محدود، جدایی دین از سیاست، حقوق بشر، فردباوری و حاکمیت قانون کنند و این ارزش‌ها را در تشکیلات رسمی خویش بگنجانند (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۶: ۳۲).

قلمرو زمانی این پژوهش از سال ۲۰۰۴ تا سال ۲۰۱۵ در نظر گرفته شده است. جرج بوش در اوایل سال ۲۰۰۴ و در نخستین سالگرد حمله نظامی آمریکا به عراق بر طرح "خاورمیانه بزرگ" به عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای توسعه و دموکراسی در خاورمیانه تاکید می‌کند که تقویت روندها و سازمان‌های آموزشی مربوط به مدیریت و رهبری زنان، یکی از اصول و اهداف دیده می‌شود. در زمینه اجتماعی و فرهنگی این طرح، برابری بین زنان و مردان از اهم موارد این مقوله را تشکیل می‌دهند که برای اصلاحات، علاوه بر مشارکت حکومت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی و جامعه مدنی جزو شرکای تلاش‌های مشترک به شمار می‌آیند. بنابراین، برای تحقق استراتژی همسان‌سازی فرهنگ جهانی باید همه نموده‌های فرهنگ ملت‌ها، اعم از شیوه زندگی، مناسبات انسانی، معماری، آموزش و پرورش، نوع پوشش و حتی شیوه تغذیه و عادات غذایی تغییر کند و مطابق الگوی واحد شکل گیرد؛ تا جایی که دیگر چیزی به عنوان تمدن‌های گوناگون بشری باقی نماند و تنها یک تمدن بر جهان حکومت کند و آن تمدن غربی است.

یکی از اهرم‌های مهم غرب برای تحمیل فرهنگ و ارزش‌های خود بر سایر ملت‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات بین‌المللی نظیر سازمان ملل و زیرمجموعه‌های آن، همچون: سازمان

تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) و کمیسیون حقوق بشر بود که با استفاده از این سازمان‌ها پوشش قانونی لازم را برای سلطه فرهنگی غرب به وجود آورد تا دولت‌ها را در این خصوص خلع سلاح کند. همواره دولت‌هایی که خواستند برای حفظ مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی و یا مذهبی مورد قبول خود محدودیت‌هایی در کشورشان ایجاد کنند تحت فشار قرار گرفتند و به بهانه نقض حقوق بشر با آن‌ها برخورد کردند. جمهوری اسلامی ایران نیز بارها درخصوص وجود بعضی تفاوت‌ها و محدودیت‌ها در مورد زنان محکوم شد و این نظام را به نقض گسترده حقوق زنان متهم کردند (شفیعی سروستانی، ۱۳۱۶: ۴۸ و ۵۱). ایالات متحده بعلاوه در الگوی مهار از درون کوشید با فعال‌کردن و حمایت شبکه‌ای از نیروهای داخلی که به نوعی با روش‌ها و اهداف آنان هماهنگی داشتند، در قالب‌های گوناگون ادعای حمایت از زنان را دنبال کند و جریان‌های مختلفی به نام دفاع از حقوق زنان ایرانی را به صحنه بیاورد و به‌فعالیت مشغول کند. اگرچه در جهان‌بینی و انسان‌شناسی جدید غربی زنان نیز جایگاهی تازه یافتند و توانستند برخی تبعیض‌های ناروا نسبت به آنان را که در کشورهای غربی وجود داشت، برطرف سازند؛ اما جنبشی که با هدف به دست‌آوردن حقوق برابر با مردان آغاز شد، اکنون موجب به وجود آمدن فاصله‌ای عمیق میان زنان و مردان، به عنوان دو نیمه پیکره واحد انسانی، تضعیف جدی نهاد خانواده و آسیب‌پذیر ساختن روابط افراد خانواده، اعم از پدر، مادر و فرزندان شده است. اسناد بین‌المللی، هرچند که حاوی نکات مثبتی درباره زنان هستند، در مجموع راهی جدا از اهداف و اندیشه اسلامی طی می‌کنند.

چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری از مراحل تعیین‌کننده روش پژوهش است؛ که بر مبنای نظریات خاص موجود در هر رشته‌ای، باید به اثبات قواعد منطقی و همبستگی بین پدیده‌های مورد مطالعه

در آن پژوهش پردازد. بر همین اساس، در این پژوهش ضمن تبیین نقش قدرت نرم و دیپلماسی عمومی ایالات متحده در راهبردهای سیاست خارجی، مبانی حقوقی زنان در نظام حقوقی اسلام به عنوان چارچوب نظری پژوهش مورد توجه قرار گرفته است.

تئوری قدرت نرم

نظریه پرداز قدرت نرم، شخصیت نئولیبرال آمریکایی جوزف نای است. وی قدرت نرم را به عنوان بخش مهمی از منابع قدرت ملی آمریکا تلقی و بر ضرورت بهره‌گیری از آن در سیاست خارجی آمریکا اصرار می‌کند. او نظریه خود را در این زمینه در سال‌های ۱۹۸۹-۱۹۹۰ در مقاله‌ای با عنوان "ماهیت متحول قدرت جهان" طرح کرد و در آثار بعدی به تفصیل آن را پردازش کرد (سلیمانی پور لک، ۱۳۹۰: ۲۴). راهبرد امنیت ملی آمریکا که جهانی‌سازی فرهنگ و حاکمیت الگوهای رفتاری لیبرال دموکراسی در جهان و تلاش در جهت تغییر رفتار و ساختارهای نظام‌های غیرلیبرال است، از دیدگاه نظریه‌پردازان جدید غرب، جهان اسلام و رشد اسلام سیاسی در آن، به مثابه گفتمان غالب در خاورمیانه، چالش اصلی فرهنگ لیبرال دموکراسی است (سلیمانی پور لک، ۱۳۹۰: ۲۸). می‌توان گفت ارتقای ارزش‌ها (گسترش دموکراسی و حقوق بشر) پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ جزو منافع حیاتی ایالات متحده به شمار می‌رود. از این رو، منابع تهدیدزا و مهار آن‌ها در حوزه منافع حیاتی جای می‌گیرد (سلیمانی پور لک، ۱۳۹۰: ۹۲). کنگره در آمریکا نه تنها با ابزار قانون‌گذاری، تاکتیک‌های سیاست خارجی را تدوین می‌کند؛ بلکه با وضع تحریم‌های بیش از حد، در تحمیل قواعد رفتاری خود به دیگر کشورها تلاش می‌کند (کیسینجر، ۱۳۸۳: ۲۷). نای بیان می‌کند که ارزش‌های آمریکایی مهم‌ترین منبع قدرت نرم این کشور محسوب می‌شود که در فرهنگ آمریکایی و سیاست‌های آن در عرصه خارجی؛ بویژه در زمینه پیشبرد صلح و حقوق بشر تجلی می‌یابد (Nye, 2003: 545-561).

دکترین مداخله بشردوستانه در سخنان استروب تالبوت به معاون وقت وزارت خارجه آمریکا که در سال ۱۹۹۶ در نشریه فارین افروز نوشته بود، تصریح دارد در دنیایی که به شکل روزافزونی به یکدیگر وابسته می‌شود، آمریکایی‌ها سهم فزاینده‌ای در این مسأله دارند که سایر کشورها چگونه امور خود را به شیوه‌ای مطلوب یا نامطلوب اداره می‌کنند (کیسینجر، ۱۳۸۳: ۴۲۰). جوزف نای همچنین می‌گوید: پس از حمله آمریکا به عراق و اشغال این کشور، قدرت نرم آمریکا در افکار عمومی اروپا و مسلمانان ۳۰ درصد کاهش یافته‌است. برای رهایی از این وضع با کاربرد دیپلماسی عمومی و ترویج ارزش‌های لیبرال دموکراسی، حقوق بشر و کمک‌های انسان‌دوستانه می‌توان این ضعف را جبران کرد (بصیری، ۱۳۹۱: ۱۵۹).

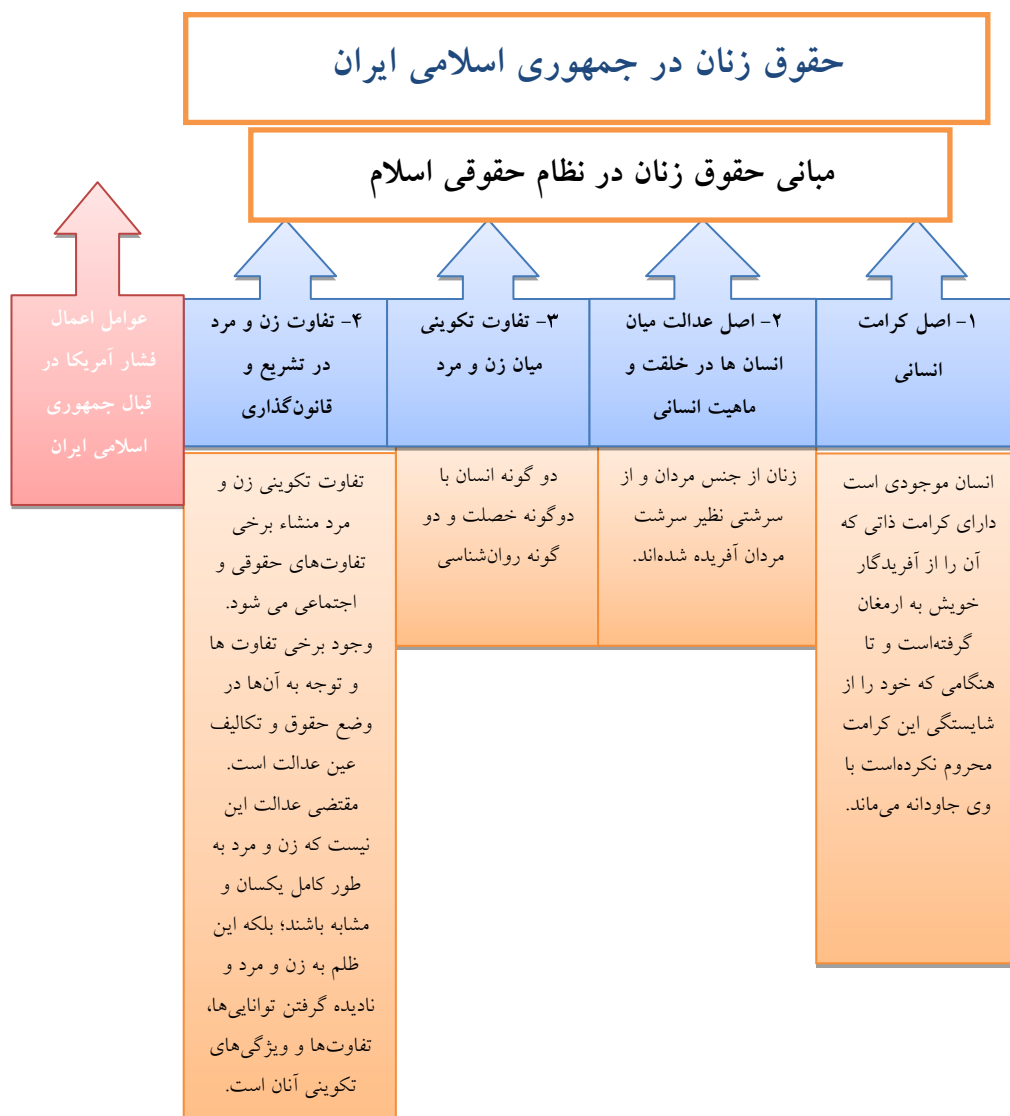
دیپلماسی عمومی ایالات متحده

دیپلماسی عمومی، افکار عمومی را هدف قرار می‌دهد و از لحاظ پیامدها و نتایج از همان اهمیت ارتباطات دیپلماتیک پنهان و سنتی بین سران کشورها برخوردار است. اطلاعات نقش مهمی در این رابطه ایفا می‌کند و می‌توان گفت اطلاعات، قدرت است. اگر قدرت نرم شامل شکل‌دادن به تصورات دیگر کشورها نیز بشود، در این صورت اطلاعات یک منبع مهم قدرت نرم محسوب می‌شود. به‌رغم اینکه انتقال اطلاعات و ارائه تصویر مثبت، بخشی از دیپلماسی عمومی است، دیپلماسی عمومی دربرگیرنده روابطی پایدار است که موجب ایجاد محیطی توانمندکننده برای سیاست‌های دولت می‌شود (Nye, 2004: 30).

دیپلماسی عمومی دارای سه بُعد مختلف است: بعد اول عبارت از ارتباطات روزانه است که چارچوب و زمینه تصمیمات سیاست داخلی و خارجی را تبیین می‌کند. دومین بعد دیپلماسی عمومی، ارتباطات استراتژیک است که در آن مجموعه‌ای از موضوع‌های معمولی بسط می‌یابد که به مبارزات سیاسی یا تبلیغاتی شباهت بسیاری دارد. در این

مبارزات، رویدادها و ارتباطات نمادین به منظور مشخص کردن موضوع‌های اساسی یا پیشبرد سیاست دولت برنامه‌ریزی می‌شوند. سومین بعد دیپلماسی عمومی، گسترش روابط پایدار با افراد کلیدی طی سالیان طولانی از طریق اعطای بورسیه، تبادلات فرهنگی و دانشگاهی، آموزش، برگزاری سمینارها و کنفرانس‌ها و دسترسی به کانال‌های ارتباطی است. از نظر نای، اهمیت مبادلات فرهنگی و آکادمیک آمریکا به این دلیل است که به تعلیم و آموزش بسیاری از رهبران جهان منجر می‌شود (Nye, 2004: 31). جوزف نای می‌گوید: بسیاری از اندیشمندانی که در مبادلات شرکت داشتند، از هدایت‌کنندگان جریان حقوق بشر و آزادی‌خواهی شدند (رنجبران، ۱۳۸۸: ۶۹).

تصویر ۱: حقوق زنان در جمهوری اسلامی ایران



جایگاه حقوق مدنی - سیاسی زنان در آمریکا

تشکیل سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ زمینه‌ای فراهم ساخت که مهم‌ترین شعار فمینیستی؛ یعنی "برابری" در سطح جهانی، به عنوان معیاری برای سنجش حقوق بشر در نظر گرفته شود. منشور ملل متحد که در سال ۱۹۴۵ تصویب شد، نخستین سند بین‌المللی الزام‌آوری است که تحقق تساوی حقوق زن و مرد و آزادی‌های اساسی، صرف‌نظر از جنسیت را از اهداف سازمان ملل می‌شمرد (ای.اف. کینگدام، ۱۳۸۲: ۱۹ و ۲۰).

تا دهه ۱۹۶۰ تساوی و آزادی زنان به طور مستقل، موضوع معاهدات بین‌المللی قرار داده نشده بود. در سال ۱۹۶۳ مجمع عمومی از کمیسیون مقام زن و شورای اقتصادی و اجتماعی خواست که تدوین پیش‌نویس اعلامیه‌ای درباره رفع تبعیض از زنان را در دستور کار قرار دهد. این اعلامیه، در سال ۱۹۶۷ به اتفاق آراء به تصویب مجمع عمومی رسید. اعلامیه یادشده، علاوه بر آنکه از دولت‌ها می‌خواهد قوانین، عرف و سنت‌های تبعیض‌آمیز نسبت به زنان را از بین ببرند و حمایت حقوقی کافی برای استقرار تساوی حقوقی زن و مرد اعمال دارند، آن‌ها را به تصویب معاهده‌ای بین‌المللی برای رفع تبعیض از زنان فرامی‌خواند. در سال ۱۹۷۵ مجمع عمومی از کمیسیون مقام زن خواست تا پیش‌نویس "کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض از زنان" را که از سال ۱۹۷۰ در برنامه کار کمیسیون قرار داشت، تکمیل و ارائه کند. همین سال، به عنوان سال بین‌المللی زن و ۸ مارس به عنوان روز بین‌المللی زن و سال‌های ۷۶-۸۵ به عنوان دهه ملل متحد برای زنان تعیین شد و یک برنامه کاری به عنوان "کنوانسیون حذف تبعیض علیه زنان با روش‌های مؤثر بر اجرای آن" به تصویب رسید. سرانجام در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ "کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان" که شامل مقدمه و سی ماده بود، به تصویب رسید. این معاهده که مهم‌ترین سند بین‌المللی در مورد زنان به شمار می‌آید، کلیه امتیازات، استثنائات و تفاوت‌ها را در عرصه‌های حقوقی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مصداق تبعیض می‌شمارد

و بر محو آن اصرار می‌ورزد. آنچه بر اهمیت این معاهده می‌افزاید، علاوه بر شمول آن نسبت به تمامی عرصه‌ها؛ فراگیری آن نسبت به مؤسسات دولتی و غیردولتی و کلیه نهادهای خصوصی و عمومی است و دولت‌ها را موظف می‌کند که تمامی سنت‌ها و فرهنگ‌ها را با هدف اطمینان از برابری، اصلاح کنند (ای.اف. کینگدام، ۱۳۸۲: ۲۰ و ۱۹).

علی‌رغم اینکه آمریکا جزو نخستین کشورهایی بود که قانون اساسی مدرن و پیشرفته‌ای را تدوین کرد و در سال‌های پایانی قرن هجدهم آن را اجرایی کرد، زنان این کشور تا سال‌های آغازین قرن بیستم نتوانستند حق مشارکت سیاسی را از طریق داشتن حق رأی کسب کنند. در سال ۱۹۲۰ و پس از پایان جنگ جهانی اول و شرایط خاص اجتماعی آمریکا در آن زمان به زنان حق رأی داده شد و از آن پس زنان توانستند در تعیین سرنوشت سیاسی خویش مشارکت داشته باشند. در فاصله دو جنگ جهانی، تحولات سیاسی و اجتماعی باعث شد تا زمینه فعالیت‌های سیاسی برای زنان بارزتر شود و وقوع جنگ جهانی دوم زمینه را هر چه بیشتر برای فعالیت سیاسی آن‌ها مهیاتر نمود (روشندل و دیگران، ۱۳۷۷: ۱۷۹-۱۸۰). درحزب جمهوری‌خواه آمریکا سازمانی به نام فدراسیون زنان جمهوری‌خواه تشکیل شد. این فدراسیون علاوه بر ترغیب مشارکت سیاسی زنان در فعالیت‌های اجتماعی نیز مشارکت جدی دارد. در حزب دموکرات آمریکا نیز از سال ۱۹۹۳ مجمع رهبری زنان حزب تشکیل شده‌است. این رکن نیز در کنار ترغیب مشارکت سیاسی زنان، تلاش‌هایی جدی را برای به قدرت رسیدن زنان و افزایش مشارکت سیاسی آنان انجام داده‌است (Zananemrooz, 1393). از سال ۲۰۱۳، ۱,۷۷۹ نفر از ۷,۳۸۳؛ یعنی ۲۴/۱٪ از قانونگذاران ایالتی در ایالات متحده زنان بودند. ایالت کلرادو با ۴۱٪ بالاترین درصد زنان را در ادارات قانونگذاری و ایالت لوئیزیانا با ۱۱/۱٪ پایین‌ترین درصد را از نظر حضور زنان دارند. ده ایالت برتر که بیشترین درصد زنان را در میان قانونگذاری ایالتی دارند، عبارتند از: ۱- کلرادو (۴۱٪)؛ ۲- ورمونت (۴۰/۶٪)؛ ۳- آریزونا (۳۵/۶٪)؛ ۴- مینه سوتا

(۳۳/۳٪)؛ ۵- نیوهامپشایر (۳۲/۵٪)؛ ۶- ایلینویز (۳۲/۲٪)؛ ۷- هاوایی (۳۱/۶٪)؛ ۸- واشنگتن (۳۰/۶٪)؛ ۹- مریلند (۳۰/۳٪)؛ ۱۰- کنتاکی (۴۲۹٪).

در سال ۲۰۱۳، ۷۱ زن عهده‌دار مناصب اجرایی در ایالات متحده بودند؛ یعنی ۲۲/۴٪ از ۳۱۵ مناصب موجود. تا امروز، زنان در ۴۹ ایالت از ۵۰ ایالت کشور برای امور اجرایی در سطح ایالت‌ها برگزیده شده‌اند (تنها استثنا ایالت مین است). پس از انتخابات سال ۲۰۱۲، پنج زن به مقام فرمانداری رسیدند (یک تن دموکرات و ۴ تن جمهوری‌خواه). سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۷ سال‌هایی بوده‌اند که بیشترین زنان فرماندار را در طول تاریخ کشور داشته‌اند. در این سال‌ها تعداد زنان فرماندار در کل کشور ۹ نفر بوده است.

از زمان تاسیس این کشور، تنها ۳۲ زن به عنوان فرماندار ایالتی انتخاب شده‌اند. از میان ۱۰۰ شهر بزرگ آمریکا، ۱۲ شهر، شهردار زن دارند (nwpc, 2015). از ۱۰۴ زنی که در چهاردهمین کنگره ایالات متحده حضور داشتند، در مجموع ۳۳ نفر معادل ۳۳/۷٪ زنان رنگین پوست هستند. همچنین، از ۱۰۴ زن در کنگره، ۱۸ نفر سیاه‌پوست‌اند. از ۱۰۴ زن، هیچ کدام از بومیان آمریکایی نیستند. در سال ۲۰۱۵، زنان ۱۰۴ کرسی در کنگره ایالات متحده را به خود اختصاص دادند که این رقم؛ معادل ۱۹/۴٪ از کل ۵۳۵ کرسی موجود است. ۲۰ تن از این زنان (معادل ۲۰٪) عضو مجلس سنای ایالات متحده و ۸۴ تن (۱۹/۳٪ معادل) عضو مجلس نمایندگان ایالات متحده هستند (cawp.rutgers.edu, 2015).

کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و تعارض با احکام اسلامی

موضوع الحاق به این کنوانسیون از جمله موضوع‌هایی است که طی سالیان اخیر توجه صاحب‌نظران داخلی را جلب کرده و موجب بحث‌های فراوانی میان موافقان و مخالفان آن شده‌است. دولت ایران از بدو تاسیس سازمان ملل متحد با امضا و تصویب اسناد مهم بین‌المللی، که اسناد حقوق بشر بخش عمده‌ای از آن را تشکیل می‌دهد، همواره برای توسعه همکاری با این سازمان فعال بوده است. فهرست معاهدات چندجانبه بین‌المللی که

تأثیر حقوق زنان در سیاست خارجی امریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران / ۸۷

دولت ایران به آن‌ها ملحق شده است، به خوبی گویای آن است که پیشینه همکاری با سازمان ملل متحد بسیار نیرومند و غنی است. بحث پیرامون کنوانسیون رفع تبعیض از زنان، مستلزم آن است که مواضع دولت ایران را در برخورد با آن دسته از اسناد حقوق بشر که رفع تبعیض از زن را در مرکز توجه جهانی قرار داده است، مشخص نماییم (کار، ۱۳۷۸: ۱۷-۱۸). حقوق اساسی از دیرباز یکی از منابع مهم نظم حقوق در ایران بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قانون اساسی جمهوری اسلامی به طور رسمی حقوق اساسی را به صحنه زندگی آورد و سایر نهادهای حقوقی را در خدمت این آرمان قرار داد (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۱۱).

نهاد قانونگذاری در ایران از دو رکن جداگانه و متمایز مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان تشکیل شده است. بدون همکاری این دو، طرح‌ها و لوایح شکل قانونی و لازم الاجرا پیدا نمی‌کند. بر اساس اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. همچنین، در اصل هفتاد و دوم قانون اساسی آمده است که مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده، به عهده شورای نگهبان است (کار، ۱۳۷۸: ۳۵-۳۶). موازین شرعی در نظام جمهوری اسلامی، با اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین - سلام الله علیهم اجمعین - میسر می‌شود و به عهده آنان است (کار، ۱۳۷۸: ۴۲).

مقایسه با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در ماده ۱ کنوانسیون آمده است: از نظر این کنوانسیون عبارت "تبعیض علیه زنان" به معنی قائل‌شدن هرگونه تمایز، استثنا یا محدودیت، بر اساس جنسیت است که بر به رسمیت‌شناختن حقوق بشر زنان و آزادی‌های اساسی آن‌ها و بهره‌مندی و اعمال آن حقوق،

بر پایه مساوات با مردان، صرف‌نظر از وضعیت تأهل آن‌ها، در تمامی زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و دیگر زمینه‌ها اثر مخرب دارد یا اصولاً، هدفش از بین‌بردن این وضعیت است.

در ماده ۲، دولت‌های عضو موظف شده‌اند بی‌درنگ به اقداماتی دست بزنند که از آن جمله است:

الف) گنجاندن اصل مساوات زن و مرد در قانون اساسی یا دیگر قوانین داخلی؛ ب) حمایت قانون از حقوق زنان بر اساس تساوی با مردان.

در ماده ۱۰ بند ج آمده است: «محو هر نوع مفهوم تقلیدی و کلیشه‌ای از نقش زنان و مردان در تمام سطوح و در تمام اشکال مختلف آموزشی با تشویق آموزش مختلط پسر و دختر». همچنین، در سراسر کنوانسیون بیش از چهل بار بر تساوی زنان و مردان تأکید شده که نتیجه همه آن‌ها تساوی کامل زن و مرد در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است.

نگاهی کوتاه به مواد مختلف کنوانسیون نشان می‌دهد که تعارض کنوانسیون با مبانی اسلام ناشی از روح حاکم بر آن است و التزام عملی به کنوانسیون و اجرای کامل آن، موجب نفی بسیاری از احکام اسلامی و آموزه‌های دینی خواهد بود و نمی‌توان با حق شرط و تحفظ، این تعارضات گسترده را برطرف ساخت (حق شناس، ۱۳۱۰: ۳۵-۳۶).

آیت الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب در پاسخ به استفتاء درمورد الحاق فرموده‌اند: پیوستن به معاهده مذکور برای مسلمانان و دولت‌های کشورهای اسلامی اگر پایبند به احکام نورانی و حیات‌بخش اسلام هستند، جایز نیست؛ زیرا مفاد عهدنامه با بسیاری از احکام اسلام در تعارض و تضاد است؛ مگر آن که موارد تعارض اصلاح شود (قریانیا و دیگران، ۱۳۸۴: ۳۱۶).

به یقین الحاق به هر معاهده بین‌المللی، محدود نمودن حاکمیت ملی کشورهاست. یکسان‌سازی فرهنگی؛ به‌ویژه تعمیم فرهنگ غرب و استحاله فرهنگی کشورهای در حال توسعه، بی‌توجهی به تفاوت‌های طبیعی زن و مرد، که این بی‌توجهی باعث ظلم مضاعف و جدیدی به زنان شده‌است و تزلزل نظام خانواده از دیگر پیامدهای منفی الحاق به کنوانسیون است که علی‌رغم تأکید دبیر کل سازمان ملل بر الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به این کنوانسیون، به دلیل موارد مغایرت متعدد آن با موازین شرعی و قانونی داخلی، تاکنون الحاق به آن عملی نشده است (چکیده مقالات دومین همایش جهانی زنان، ۱۳۸۸: ۱۱۱).

حقوق و مسؤولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران

منشور حقوق و مسؤولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، با الهام از شریعت معتدل و جامع، به منظور ایجاد زمینه رشد هماهنگ و متوازن ابعاد مادی و معنوی زندگی فردی و اجتماعی زن و با عنایت به آزادی مسؤولانه و کرامت انسانی آنان و با توجه به تناسب میان حقوق و مسؤولیت‌ها، تنظیم شده‌است. منشور به عنوان یک سند مرجع سیاست‌گذاری در سه بخش و پنج فصل و یکصد و چهل و هشت بند در پانصد و چهل و ششمین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۸۳/۶/۳۱ تصویب و در آذر ماه سال ۸۵ به عنوان قانون لازم‌الاجرا در مجلس شورای اسلامی نیز تصویب شد و الحاق به کلیه معاهدات بین‌المللی در امور زنان در راستا و همسو با مفاد این منشور مقرر گردید (آیت‌اللهی، ۱۳۸۶: ۹-۱۰). طبق منشور، زنان برای مشارکت در تعیین مقدرات اساسی کشور (شرکت در انتخابات، راهپیمایی، عضویت در احزاب و ...) و نقش‌آفرینی در این امر (نماینده‌گی مجلس شورای اسلامی و ...) نیازمند کسب آگاهی‌های لازم هستند که حکومت وظیفه دارد برای حفظ و تحکیم نظام اسلامی اطلاعات مورد نیاز را در اختیار

آنان قرار دهد و زنان نیز مسئولند به میزان ضرورت اطلاعات لازم را کسب نمایند (آیت‌اللهی، ۱۳۸۶: ۶۴۳-۶۴۴).

قوانین و مقررات

(۱) اصل سوم قانون اساسی:

«دولت جمهوری اسلامی موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

۸- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش...»

(۲) اصل دوم قانون اساسی: "جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا که از راه:

ج- نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.»

(۳) اصل نهم قانون اساسی:

"در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای را وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.»

(۴) اصل پنجاه و ششم قانون اساسی:

«حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم، او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند؛ یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقتی که در اصول بعد می‌آید، اعمال می‌کند» (آیت‌اللهی، ۱۳۸۶: ۶۴۷-۶۴۸).

بند ۱۱۵- حق تأسیس احزاب و سایر تشکل‌های سیاسی و فعالیت در آنها با رعایت حفظ استقلال کشور، وحدت ملی و مصالح نظام اسلامی.

توضیح:

تشکل‌های سیاسی شامل کلیه گروه‌هایی هستند که فعالیت سیاسی می‌کنند. احزاب مهم‌ترین آنها هستند و از مصادیق دیگر آن: تشکل‌های دانشجویی و انجمن‌های سیاسی را می‌توان نام برد. تأسیس و فعالیت در آنها از حقوق زنان است؛ منوط بر این که فعالیت‌های مزبور با استقلال کشور، وحدت ملی و مصالح نظام اسلامی منافات نداشته باشد (آیت‌اللهی، ۱۳۸۶: ۶۶۴).

قوانین و مقررات

(۱) اصل ۲۶ قانون اساسی:

«احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده آزادند؛ مشروط به این که اصول استقلال، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقص نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت (آیت‌اللهی، ۱۳۸۶: ۶۶۷).

بند ۱۱۶- حق شرکت در انتخابات و انتخاب‌شدن در مجلس یا شوراهای مختلف، مشارکت در برنامه‌ریزی‌های دولتی و تصدی مدیریت‌های عالی با رعایت موازین.

توضیح

الف- حق شرکت در انتخابات: حق زنان برای شرکت در انتخابات مختلف، از جمله انتخابات مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، مجلس خبرگان و شوراها، نشأت گرفته از یک حق سیاسی و مبنائی است به نام حق "حاکمیت ملی". معنای "حاکمیت ملی" این است: ملتی که اسلام را می‌خواهد و انتخاب می‌کند، مسلمان‌بودنش به این نیست که چشم و گوش بسته، به طور مطلق حق هیچ اظهارنظری نداشته باشد؛ زیرا در احکام و کلیات شرعی است که نمی‌توان تخلف کرد و اعمال حاکمیت نمود؛ ولی در دایره مباحات و مصادیق و کیفیت اجرای قواعد کلی شرعی می‌توان از طریق شوراها، انجمن‌ها و نظایر آن اظهارنظر نمود و مقرراتی وضع کرد و با توافق به مرحله اجرا گذاشت. حق "حاکمیت ملی" در واقع همان حق تعیین سرنوشت عمومی است که خدا بر اساس اختیار فطری انسان برای رفاه همگان به او داده‌است؛ تا بیاییم کشور را چگونه بسازیم، به دست مردم چگونه به آن شکل بدهیم و در سازماندهی و اداره کشور به دست مردم چه سان بدان جامعه عمل ببوشانیم و این امر هیچ منافاتی با حاکمیت خدا ندارد؛ بلکه حاکمیت ملی و اراده و انتخاب ملت، مظهر حاکمیت خدا مطرح شده‌است؛ به این صورت که حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی خویش، حقی نشأت گرفته از حاکمیت مطلق خدا بر جهان و انسان معرفی شده‌است.

ب- حق انتخاب‌شدن: فعالیت در عرصه‌های سیاسی جامعه از حقوق مسلم زنان است. بنابراین، زنان علاوه بر حق شرکت در انتخابات، حق انتخاب‌شدن را نیز دارا هستند و می‌توانند به عنوان کاندیدای نمایندگی در مجلس شورای اسلامی یا عضویت در شوراها، اسلامی معرفی و پس از انتخاب به کار مشغول شوند. البته، در خصوص حق زنان برای انتخاب‌شدن در سمت "ریاست جمهوری" بین صاحب‌نظران اختلاف نظر وجود دارد و این اختلاف ناشی از تفاسیر متفاوتی است که از عبارت "رجال سیاسی" در قانون

اساسی به عنوان یکی از شرایط اصلی داوطلبان برای احراز این سمت ارائه شده است. کلمه "رجال" از نظر معنای لغوی مبین آن است که واجدین شرایط ریاست جمهوری از میان مردان انتخاب می‌شوند و بر اساس این استنباط، زنان حق شرکت در انتخابات ریاست جمهوری به عنوان انتخاب‌شونده را ندارند؛ ولی اگر "رجال" به مفهوم عرفی آن منظور باشد، از این کلمه به معنی شخصیت استنباط می‌شود و بنابراین، مانعی برای شرکت زنان به عنوان داوطلب احراز این مقام وجود ندارد. گرچه در قانون اساسی در مورد به‌کارگیری کلمه رجال صراحتی ندارد؛ ولی تفسیر شورای نگهبان در این مورد معنی اول را تایید نموده است.

ج- حق تصدی مدیریت‌های عالی: بهره‌مندی از توان علمی و تجربیات عملی بانوان متخصص و کارآمد با جلب مشارکت آن‌ها در برنامه‌ریزی‌های دولتی در عرصه‌های سیاست داخلی و بین‌المللی محقق می‌شود و این در صورتی قابل تحصیل است که مانعی برای احراز سمت‌های مدیریتی در سطوح مختلف برای زنان لحاظ نگردد و معیار گزینش در انتخاب، میزان توانایی و کارایی افراد صرف‌نظر از جنسیت آنان باشد. به این ترتیب، زمینه برای اعمال حق زنان جهت مشارکت و مدیریت در عرصه سیاست کشور فراهم و جامعه از دانش و تجربه این نیروها بهره‌مند خواهد شد. البته، این حق زنان در مواردی خاص که در قوانین و مبانی شرع مقدس استثنا شده است و زنان از پذیرفتن مسئولیت معاف شده‌اند، قابل اعمال نخواهد بود؛ از آن جمله می‌توان به عدم نصب زنان در مقام رهبری اشاره نمود.

د- رعایت موازین: در تحقق سه حق شرکت در انتخابات، انتخاب‌شدن و تصدی مدیریت‌های عالی برای زنان و مردان، موازین خاصی حاکم است؛ از جمله لزوم تبعیت ایران برای شرکت در انتخابات یا داشتن صلاحیت‌هایی برای انتخاب شدن در مجلس شورای اسلامی و یا داشتن توانایی علمی لازم برای تصدی مدیریت‌های عالی؛ همچون

اجتهاد برای عضویت در شورای نگهبان (آیت‌اللهی، ۱۳۸۶: ۶۶۹-۶۷۰).

- اصل ۲۰ قانون اساسی:

«همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.»

جمهوری اسلامی ایران برای ارتقای وضعیت شغلی زنان و تضمین دسترسی به فرصت‌ها جهت حضور در عرصه‌های تصمیم‌گیری اقداماتی نیز انجام داده‌است:

- انتصاب زنان به عنوان معاونین و مشاوران رئیس‌جمهور در حوزه‌های امور زنان، امور حقوقی، امور علمی و فناوری؛ انتصاب زنان به عنوان بخشدار، شهردار و معاون فرماندار؛ انتصاب زنان به عنوان معاونان و مشاوران وزراء؛ مدیر کل ادارات امور بانوان استانداری‌ها در حوزه‌های ستادی وزارتخانه‌ها و استانداری‌ها؛ انتصاب زنان در شورای شهر و روستا.

- انتصاب زنان به عنوان نماینده در مجلس شورای اسلامی: تعداد زنان داوطلب نمایندگی مجلس در دوره هشتم ۵۸۵ نفر بود. تعداد داوطلبان ۸ برابر نخستین دوره بود و تعداد زنانی که انتخاب شدند، دو برابر بود. نسبت زنان داوطلب نمایندگی مجلس نسبت به کل داوطلبان در دوره هشتم ۸/۱۶ درصد بوده که نسبت به دوره اول بیش از ۳/۵ برابر شده است. در طول دوره اول تا نهم انتخابات مجلس، سهم زنان در کرسی‌های مجلس، ۲۶۵ درصد افزایش یافته و درصد مشارکت زنان در دوره اول از ۰/۸۶ به ۳/۱۴ در دوره نهم افزایش داشته‌است. تعداد زنان داوطلب نمایندگی مجلس طی ۹ دوره انتخاباتی از ۶۶ نفر به ۴۳۲ نفر رسیده، که این افزایش بیش از ۵۵۰ درصد بوده‌است. نرخ نامزد برای انتخابات مجلس رشدی معادل ۳۵۵ درصد از دوره اول تا دوره هشتم داشته است که از ۱/۸، به ۸/۲٪ افزایش داشته‌است.

- انتصاب زنان به عنوان عضو شورای فرهنگی - اجتماعی زنان؛

- انتصاب زنان به عنوان مستشار قضایی و قاضی؛

تعداد ۶۰۳۶۵ نفر نیز از قانونگذاران و مقامات عالی‌رتبه را زنان تشکیل می‌دهند. تعداد ۹۸۰ نفر از زنان در پست امور زنان وزارتخانه‌ها و ارگان‌های دولتی مشغول به کار هستند. لذا در کل تعداد ۹۰۰۰۰ نفر مدیر زن در سطوح مختلف در عرصه‌های متعدد مشغول خدمت هستند (گزارش راهبردها، سیاست‌ها، برنامه‌ها و دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱: ۳۳۳-۳۳۵).

نقشه راه احیای حقوق بشر و میثاق حقوق زن در اسلام

جمهوری اسلامی ایران با بررسی چالش‌های حقوق بشر در جهان معاصر و ارائه راهکارها و اقدامات لازم برای برون‌رفت از وضعیت موجود، "نقشه راه احیای حقوق بشر و میثاق حقوق زن در اسلام" را با مشارکت کشورهای اسلامی در چارچوب همکاری با سازمان همکاری‌های اسلامی تبیین کرده‌است. این نقشه راه ۲۵ بهمن ماه ۱۳۹۱ به تصویب رسید که پیش‌نویس تهیه‌شده پس از تصویب نهایی، به عنوان سند رسمی در حوزه حقوق زنان با محوریت دین مبین اسلام ثبت خواهد شد. در تدوین پیش‌نویس میثاق با توجه به این‌که زنان و مردان در عین یکسانی و کرامت انسانی، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند، حقوق اجتماعی و خانوادگی آن‌ها شناسایی شده‌است. مهم‌ترین تعاریفی که در فصل اول آمده است، به قرار زیر است:

- حق زن: هرگونه توانایی و امتیاز زنان که به وسیله شریعت اسلامی به زنان اعطا شده‌است.

- مسؤولیت زن: وظایف هر زن در برابر خدا، خود، جامعه و طبیعت که شریعت اسلامی بر ذمه آنان قرار داده است.

- قوانین و مقررات شرعی: قواعد کلی که از منابع معتبر اسلامی استخراج شده و بین مذاهب اسلامی مشترک است یا حداقل یکی از مذاهب آن را تایید می‌کند.

- عدالت اجتماعی: موازنه حقوق و وظایف اجتماعی هر شخص؛ به عبارتی توازن بین فرد و جامعه؛

- عدالت جنسیتی: توازن و تناسب امتیازات و حقوق زنان و مردان با توانمندی‌ها و تکالیف آنها (گزارش راهبردها، سیاست‌ها، برنامه‌ها و دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱: ۱۱۷-۱۱۸).

"حقوق بشر" نرم‌افزار سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در برابر جمهوری اسلامی ایران

دولت‌مردان آمریکایی از طریق اعمال فشار به ایران در زمینه‌هایی چون آزادی بیان و اندیشه و برابری حقوق زنان و مردان و متهم‌کردن و مطرح‌نمودن ایران به عنوان ناقض حقوق بشر، به تلاش خود برای منزوی ساختن ایران در جامعه بین‌المللی و القای رویگردانی مردم ایران از حاکمیت سیاسی در راستای تز جداسازی ملت از دولت و تقویت گزینه منازعه قدرت در داخل از سوی دیگر پرداخته‌اند. مقامات آمریکایی بارها در خصوص آنچه نقض حقوق بشر و عدم آزادی در ایران می‌نامند، سخن به میان آورده‌اند. در این خصوص شان مک کورمک، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در ژوئیه سال ۲۰۰۷ اظهار نمود:

ما از طریق سازمان ملل متحد به همکاری با جامعه بین‌المللی، دولت‌های خارجی و سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی برای تمرکز توجه بر بدرفتاری رژیم ایران با شهروندان خود ادامه خواهیم داد. ما از دولت ایران می‌خواهیم پیش از آن‌که ایرانیان بیشتری به دلیل تلاش برای استفاده از حقوق و

آزادی‌های فراگیر خود آسیب ببینند، وضعیت حقوق بشر خود را بهبود بخشد
(*asipress*, 1394).

همچنین "کمیسیون آمریکایی آزادی‌های مذهبی کشورها" که یک نهاد دولت فدرال امریکاست، در گزارش سال ۲۰۱۵ خود با طرح ادعاهایی غیرمستند یا جمع‌آوری‌شده از منابع غیرمعتبر و مغرضانه، از قانونگذاران آمریکایی خواسته‌است تحریم‌های جدیدی در زمینه حقوق بشر علیه ایران وضع کند. این نهاد آمریکایی همچنین از باراک اوباما خواست برای انجام این اقدام پیش‌قدم شود. اعضای "کمیسیون آمریکایی آزادی‌های مذهبی در کشورها" را رئیس‌جمهور امریکا و رهبران هر دو حزب در مجلس سنا و مجلس نمایندگان تعیین می‌کنند. وظیفه این نهاد، جمع‌آوری "حقایق و موارد مربوط به نقض آزادی‌های مذهبی در سطح بین‌المللی و ارائه توصیه‌های سیاست به رئیس‌جمهور، وزیر خارجه و کنگره است" (*dolatabahar*, 1394).

در اجلاس شصت‌وهفتم مجمع عمومی سازمان ملل متحد ۲۲ آگوست ۲۰۱۲ با عنوان ترویج و حمایت از حقوق بشر: وضعیت‌های حقوق بشر و گزارش‌های گزارشگران و نمایندگان ویژه، بخشی از گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد درباره وضعیت حقوق بشر زنان در جمهوری اسلامی ایران به این شرح بوده است: علاوه بر دستیابی به موفقیت‌هایی در آموزش و بهداشت زنان، اتخاذ تدابیری برای بهبود مشارکت زنان در تصمیم‌گیری و مشارکت سیاسی زنان گزارش داده شده است. دبیرکل از تلاش‌های اخیر جمهوری اسلامی ایران برای دادن گزارش به مجموعه‌های معاهده حقوق بشر استقبال می‌کند. وی ایران را ترغیب می‌کند اظهارنظرهای پایانی کمیته حقوق بشر را اجرا کند. دبیرکل از دولت می‌خواهد کنوانسیون حذف همه شکل‌های تبعیض علیه زنان را امضا و تصویب کند (*unic-ir*).

نتیجه‌گیری

آمریکا از بین حدود ۶۵ کنوانسیون و معاهده بین‌المللی و منطقه‌ای در زمینه حقوق بشر، تنها ۱۷ معاهده را به تصویب رسانده؛ به‌گونه‌ای که کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، ۱۷ ژوئیه ۱۹۸۰ فقط امضا کرده و پروتکل اختیاری کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان را حتی امضا نیز نکرده‌است. تداوم سیاست بی‌اعتنایی به معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، مصداقی کلی از بی‌توجهی به معیارها و استانداردهای پذیرفته‌شده جهانی در زمینه حقوق بشر است که در سال ۲۰۱۴ هم ادامه داشته است. با این حال، امضا و تصویب نکردن معاهدات و کنوانسیون‌های منطقه‌ای و بین‌المللی توسط آمریکا نمی‌تواند مانعی برای داوری کردن در مورد وضعیت حقوق بشر در این کشور شود؛ زیرا ویژگی جهانی بودن و فراگیر بودن معیارهای مطرح شده در این معاهدات باعث شده‌است که تمامی نهادها و کشورها بر اساس آن‌ها قضاوت کنند و مورد قضاوت قرار گیرند. از طرف دیگر، ایالات متحده اگر چه بسیاری از این معاهدات و کنوانسیون‌ها را امضا و تصویب نکرده‌است؛ اما به عنوان یک قدرت جهانی در شکل‌گیری و محتوای آن‌ها نقش مهمی داشته‌است. همان‌طور که در قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۱۲ که درخصوص رهبری زنان و مشارکت سیاسی صادر شده، تصریح شده‌است، زنان در هر بخشی تا حدود زیادی از حوزه سیاسی به حاشیه رانده شده‌اند. در طول بیست سال گذشته درصد حضور زنان در پارلمان تقریباً دو برابر شده‌است و این به این معنی است که تنها ۲۲ درصد نمایندگان مجلس، زن هستند. در نتیجه، این که چرا با وجود قوانین متعدد در نظام غرب و نیز اسلام، چه با شعار برابری یا عدالت جنسیتی، سهم زنان در حوزه سیاست و تصمیم‌گیری کشورها با توجه به توانایی آنان همچنان پایین است، به تصمیمات اجراکنندگان قوانین می‌توان اشاره کرد که هنوز عزمی جدی برای پایان دادن به شکافها و تبعیض‌های بین زنان و مردان ندارند. آمارهای اعلام‌شده که همگی با مراجعه مستقیم به

گزارش‌های رسمی تهیه شده، می‌تواند میزان موفقیت سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و قانونگذاری‌هایی را که برای مقابله با تبعیض‌های غیرعادلانه در کل جهان انجام می‌شود، مشخص کند. بدون تردید، همه کسانی که در پی برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری یا قانونگذاری در جامعه جمهوری اسلامی ایران هستند، باید به اصول محوری قوانین توجه کنند. تدوین برنامه زمانی مشخص و معین برای همه دستگاه‌ها و نهادها درباره زنان، برای تحقق کامل حقوق زن در اسلام و باور قلبی به حقانیت آموزه‌های مکتب اسلام در مورد زنان است که می‌توان امیدوار شد، زنان ایرانی با حفظ همه ارزش‌های دینی و ملی خود به جایگاه و منزلت مطلوب اجتماعی دست یابند.

منابع

- آیت‌اللهی، زهرا. (۱۳۸۶). منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری.
- بصیری، محمدعلی. (۱۳۹۱). جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران، روش‌ها، ابزارها و راهکارها، مطالعات قدرت نرم، سال دوم، شماره پنجم.
- تک نگاشت، ش ۴۵/۴۶. (۱۳۹۱). گزارش راهبردها، سیاست‌ها، برنامه‌ها و دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران.
- حق شناس، سید جعفر. (۱۳۸۰). مجموعه مقالات دفاع از حقوق زنان، ما و نظام بین‌الملل، سیاست‌های جهانی در مسائل زنان، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، مؤسسه فرهنگی طه.
- کیسینجر، هنری. (۱۳۸۳). دیپلماسی آمریکا در قرن ۲۱، مترجم ابوالقاسم راه‌چمنی، تهران: ابرار معاصر، چاپ دوم.
- روشندل، جلیل و همکاران. (۱۳۷۷). سیمای زنان در جهان آمریکا، مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، تهران: برگ زیتون.
- رنجبران، داوود. (۱۳۸۸). جنگ نرم، تهران: ساحل اندیشه، چاپ دوم.
- سلیمانی‌پورلک، فاطمه. (۱۳۹۰). قدرت نرم در استراتژی خاورمیانه‌ای آمریکا، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شفیعی سروستانی، ابراهیم. (۱۳۸۶). جریان‌شناسی دفاع از حقوق زنان در ایران، چاپ سپهر.
- چکیده مقالات دومین همایش جهانی زنان. (۱۳۸۸). معاونت فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.

تأثیر حقوق زنان در سیاست خارجی امریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران / ۱۰۱

عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه و لیلا خسروی. (۱۳۸۸). مطالعه تطبیقی حقوق زن از منظر اسلام و غرب (۱): مبانی حقوق زن، حق حیات و حق تامین اجتماعی، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.

کینگدام، ای. اف، فمینیسم و دانش‌های فمینیستی. (۱۳۸۲). مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواران، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ترجمه عباس یزدانی.

فرهمند، مریم. (۱۳۸۵). زن و حکومت (۲) کتاب زنان، سال نهم، ش ۳۴، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان.

قربان‌نیا، ناصر و همکاران. (۱۳۸۴). بازپژوهی حقوق زن: بررسی قوانین مربوط به زنان در جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، روز نو.

کار، مهرانگیز. (۱۳۸۷). رفع تبعیض از زنان، مقایسه کنوانسیون رفع تبعیض از زنان با قوانین داخلی ایران، سارنگ.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۵). اهمیت حقوق اساسی در نظم حقوقی، مجله کانون وکلا، دوره جدید، ش ۱۰.

Nye, S. Joseph, soft power: The Means to Success in World, New York, Public Affairs, 2004.

Nye, S. Joseph, Limits of American Power, Political Science Quarterly, No 4, 2002-2003.

<http://www.asipress.ir/vdcgwn9w.ak9qn4prra.html>

<http://www.unic-ir.org>

<http://www.dolatabahar.com/view/49225>

<http://zananemrooz.com/fa/print.aspx?id=101>

<http://www.nwpc.org/statistics#mayors>

<http://www.cawp.rutgers.edu/fact-sheets-women-color, 2015>

